

نکته

بازسازی شیوه اصولگرایی راهکار اجتماعی برای تبلیغ دین و سیاست

محمد جعفر بهداد

خیلی‌ها می‌پرسند: چه کار کنیم تا در شرایط جدید، تهدیدات درونی و بیرونی بر ضد ایران اسلامی خنثی شود؟ می‌گویند: تجربه نشان می‌دهد که دیگر مثل قبل با موعظه و توصیه کار درست نمی‌شود و ظاهراً شیوه‌های تبلیغی ناکارآمد شده است.

بررسی وضعیت سیاسی و اجتماعی فعلی کشور نشان می‌دهد که شیوه تبلیغ مستقیم، کارکرد مثبتی ندارد، بلکه با توجه به تمایلات و سلیقه نسل جدید، به کارگیری شیوه «تبلیغ غیر مستقیم» برای تبیین واقعیت‌ها و حقایق، امری ضروری است. روزی به مادرم که نسبت به تفاوت دیدگاه و سلیقه برادر کوچکترم ابراز نگرانی می‌کرد گفتم: نوع شرایطی که ما در دهه ۶۰ در آن به سر می‌بردیم با شرایط فعلی خیلی تفاوت دارد. یعنی در آن زمان تمام فکر و ذهن ما مشغول بسیج و پایگاه و آموزش نظامی و جبهه و تشویع جنازه شهدا و سرکشی از دوستان جانینار و دیدار با خانواده‌های شهدا و بالاخره جمع‌آوری کمک مالی و نقدی به جبهه و جنگ بود و اصولاً فضای غالب نوعی فضای معنوی و بی‌اعتنایی به تمایلات دنیایی نظیر قدرت طلبی، ثروت‌اندوزی و شهرت‌خواهی بوده اما در زمان حاضر معیارهای دنیاطلبانه بر موازین و محاسبات خداخواهانه و الهی افزایش چشمگیری یافته است. به همین خاطر وقتی شما در سال‌های دهه ۶۰ به جوانی درباره آرایش ظاهری و یا نوع رفتارشان تذکر می‌دادی، سایر افراد جامعه نیز همینوا یا شما او را محکوم می‌کردند، اما الان وضع فرق کرده است.

مادرم پرسید: یعنی دیگر نباید در برابر فعل حرام حساس باشیم؟ گفتم: بحث فعل حرام نیست، چون اکثریت شهروندان ایرانی با حرمت شکنی در احکام الهی مخالفتند، بحث بر سر تفاوت سلیقه است. پوشیدن فلان لباس یا مانیدن کتیرا به مو و امثال آن کار حرامی که نیست تا بخواهیم به خاطر اینها الم سنگه به پا کنیم. چنان که خیلی از جوانان امروزی با همین شکل و شمایل جدید، اهل مسجد و نماز و انقلابیگری هستند، بنابراین خوب است در فضای متحول شده جامعه، فقط نسبت به انجام محرمات الهی، حساسیت و غیرت به خرج دهیم و از کلافه کردن جوانان بر سر مسائلی که صرفاً از تفاوت سلیقه ناشی می‌شود، بپرهیزیم. آنچه مهم است آموزش دادن به نسل نوجوی کشور برای رعایت حریم و حرمت دیگران و حفظ آرامش و امنیت همگام خود در جامعه است.

چه کنیم تا حرف‌مان را گوش دهند؟

حالا که موضوع ضروری برای ترویج و تبلیغ را بافتیم این پرسش مطرح می‌شود که همین مسئله - یعنی حفظ آرامش و امنیت و حرمت دیگران - را با چه لحن و شیوه‌ای به نسل جوان توصیه کنیم؟

در اینجاست که نحوه تبلیغ غیر مستقیم، باید مورد توجه قرار بگیرد. البته این نوع برخورد نیز باید متناسب با دستاوردهای علم روانشناسی مهندسی شود. در اینجا بدون آن که بخواهیم مکانیزم‌های برخورد موثر و روانشناسانه را مورد بررسی قرار دهیم، فقط به این نکته مهم تاکید می‌کنم که بدون ایجاد ارتباط عاطفی، نمی‌توان کوچکترین

«تسلط موثر» بر افراد پیدا کرد. تسلط موثر یعنی نفوذ بر افراد بدون اعمال زور و تهدید. به عبارت دیگر باید به نحوی با مخاطب خود ارتباط برقرار کنیم که او با همه وجود نسبت به «خبرخوان» بودن ما اطمینان یابد.

تجربه نشان داده والدین موفق، ابتدا با ایجاد نوعی «علاقه دو طرفه» با فرزندشان، توانستند زمینه پذیرش آموزش‌ها و نصایح‌شان را در آنها پدید آورند. چون اصولاً نسل جوان فقط در صورتی که استقلال و آیتنه خود را در انجام کاری یا پذیرش موعظه‌ای بدانند، آغوش خود را برای تن دادن به آن می‌گشایند، اما اگر ذره‌ای در سودمندی آنها و خیرخواه بودن آموزش دهندگان یا نصیحت کنندگان تردید داشته باشند، به قول معروف با «گارد بسته» برخورد می‌کند. در این صورت جامعه و حکومت با «مقاومت» نسل جدید در برابر خواسته‌ها و حتی قوانین و هنجارهای ریشه‌دار روبه‌رو خواهند شد.

گام نخست: خدمات اجتماعی

معمولاً ما وقتی می‌خواهیم «خوب» یا «بد» بودن افراد را تعیین کنیم، بلافاصله به جست و جوی دیدگاه سیاسی و ظاهر شخص می‌پردازیم. حال آن که بسیاری از مردم فاقد هرگونه گرایش جناحی هستند و خواسته‌هاشان به تناسب موضوع با جناح‌های مختلف شبیه یا متفاوت است. یعنی مثلاً شاید در بحث ضدیت با آمریکا به «این جناح» متمایل باشند و در رابطه با مسئله عدالت اجتماعی به «آن جناح» همسویی نشان دهند.

اما یک واقعیت را نمی‌توان کتمان کرد. و آن این است که نوده‌های جامعه عاشق کسانی یا گروه‌هایی می‌شوند که ضمن حفظ حرمت آنها به فکر حل مشکلات روزمره و ملموس‌شان باشند. شاید به همین علت است که وقتی در می‌یابند جناح یا گروهی صرفاً «شمار مردم» سر می‌دهد و تمایل یا قدرت رسیدگی به امور جامعه را ندارد، رهايش می‌کنند. در اینجاست که ضرورت فعالیت اجتماعی، و «خدمات رسانی رفاهی» به عنوان زمینه‌ساز ایجاد «علاقه دو طرفه» و پذیرش قوانین و نصایح خیرخواهانه از سوی افراد جامعه مطرح می‌شود.

یک پیشنهاد عملی

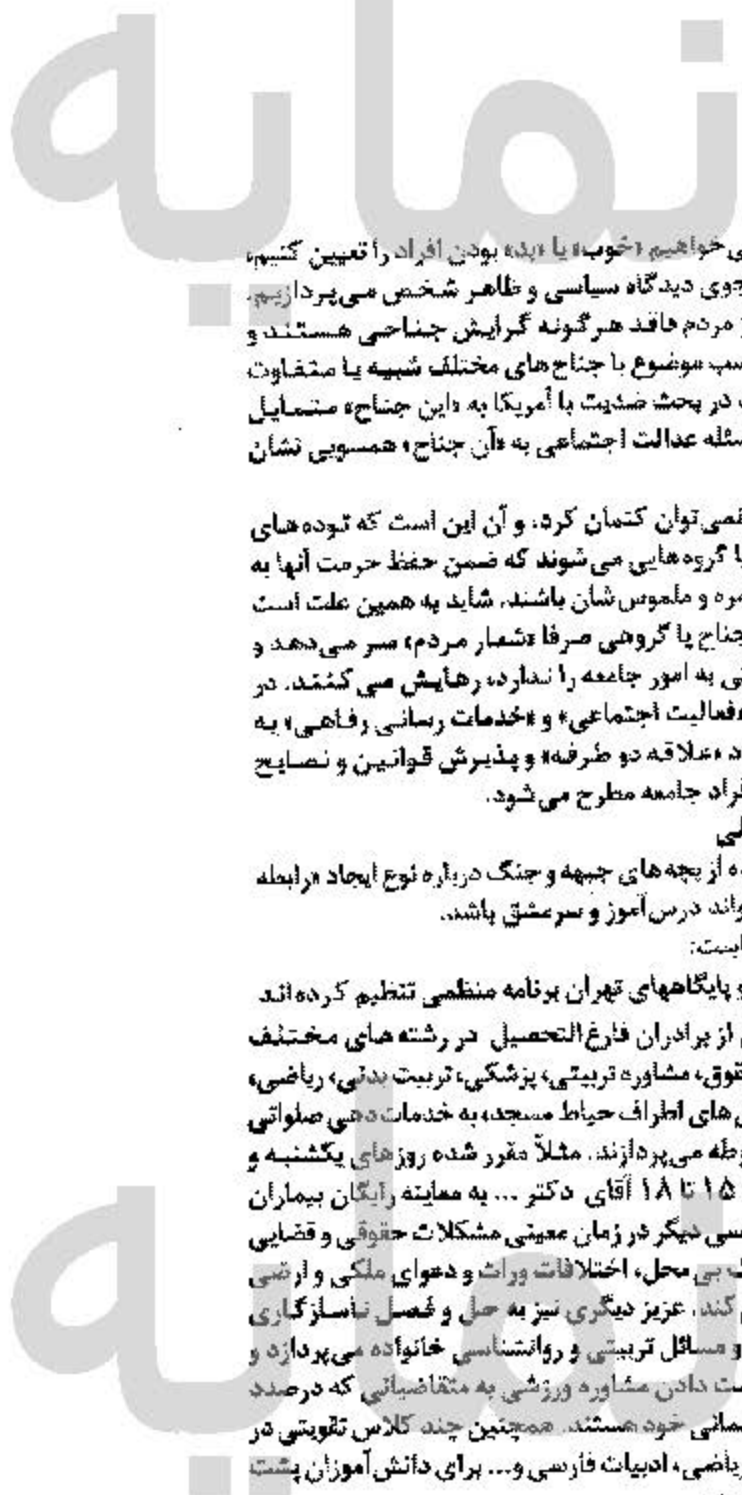
تجربه موفق یک عده از جبهه‌های جبهه و جنگ درباره نوع ایجاد رابطه عاطفی، با مردم، می‌تواند درس آموز و سرعشق باشد. ساجرا به این شرح است:

در یکی از مساجد و پایگاههای تهران برنامه منظمی تنظیم کرده‌اند که طی آن عده‌ای از برادران فارغ‌التحصیل در رشته‌های مختلف دانشگاهی مثل حقوق، مشاوره تربیتی، پزشکی، تربیت بدنی، ریاضی، ادبیات و... در اتاق‌های اطراف حیاط مسجد، به خدمات دهنی صلواتی در زمینه‌های مربوطه می‌پردازند. مثلاً مقرر شده روزهای یکشنبه و سه‌شنبه از ساعت ۱۵ تا ۱۸ آقای دکتر... به معاینه رایگان بیماران محله بپردازد. یا کسی دیگر در زمان معین مشکلات حقوقی و قضایی مراجعین نظیر چک بی محل، اختلافات وراثت و دعوی ملکی و از وی را رفع و رجوع می‌کند. عزیز دیگری نیز به حل و فصل ناسازگاری والدین و فرزندان و مسائل تربیتی و روانشناسی خانواده می‌پردازد و به همین ترتیب است دادن مشاوره ورزشی به متقاضیانی که درصدد تامین سلامت جسمانی خود هستند. همچنین چند کلاس تقویتی در رشته‌های عربی، ریاضی، ادبیات فارسی و... برای دانش‌آموزان پست‌کنکور دایر شده است.

تصور بفرمائید خانواده‌ای که استحکام و صمیمیت اعضای خود را مدیون فلان متخصص و مشاور متدین و بسیجی است یا پدر خانواده‌ای که با حل شدن مشکل مربوط به چک بی محل خود، از زندان رفتن نجات یافت و فرزندانش از قرار گرفتن در معرض انواع آسیب‌های اجتماعی نظیر فحشا، اعتیاد، سرقت و نیز ناراحتی روانی مصون مانده‌اند و یا کسانی که سلامتی جسمانی خویش را مدیون فلان پزشک متعهد و ایثارگر می‌دانند و یا دانش‌آموزان موفق در آزمون سراسری دانشگاه همگی خاطرهای خوب و فراموش‌ناشدنی از مجموعه بچه‌های پایگاه بسیج و مسجد محله خواهند داشت. وجود این ارتباط محکم عاطفی سبب خواهد شد تا اگر کسی در محله مرتکب خطا و انحرافی شد، با کوچکترین تذکر مشفقانه، واقعیت را بپذیرد و اصلاح رفتار و اندیشه اعتقادی، سیاسی یا اخلاقی خود بکوشد. چون در خیرخواهی آمر به معروف و ناهی از منکر تردیدی ندارد.

از سوی دیگر عزیزان بسیجی از این فرصت، برای استفاده نامعقول و گسترده جناحی بهره‌برداری نکنند، بلکه فقط در پاسخ به افراد پرسشگر در مسائل سیاسی، دیدگاه خود را به صورت خصوصی بیان می‌کرده‌اند، که تأثیر آن چشمگیر بوده است.

به نظر می‌رسد در فرآیند این نوع تبلیغ، آنهایی که در راه هدایت و حقیقت‌قرار می‌گیرند، بر خلاف آنهایی که در «شرایط هراس» و انزود به پذیرش حقیقت می‌کنند، اهل ریاکاری و چاپلوسی نخواهند شد.



حرف آخر: برای حفظ دستاوردهایی که با جانفشانی هزاران جوان مسلمان و انقلابی ایران به دست آمده، نباید «زمان» را از دست بدهیم. هر لحظه تعلل و کوتاهی می تواند چشم خسارتی را که به نظام و ارزشهای متعالی امام و شهیدان وارد می شود، افزایش دهد. بدیهی است، عرصه نوین «فعالیت اجتماعی» تعیین دوران دفاع مقدس به «ایثارگر» نیاز دارد که این پدیده نیز با «عشق» رقم می خورد. عشق به امام و انقلاب و شهیدان و رهبری.